

مقایسه مسئولیت پذیری، خودکارآمدی و عزت نفس مادران شاغل و غیر شاغل کودکان مراکز پیش دبستانی شهر رشت

زهرا خوش نژاد^{۱*}، فرزانه فرج اللهی^۲

^۱ کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران

چکیده

هدف این تحقیق تعیین تفاوت مسولیت پذیری، خودکارآمدی و عزت نفس در زنان شاغل و غیر شاغل بود. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی از نوع علی-مقایسه ای بود. جامعه آماری تحقیق را کلیه مادران کودکان مراکز پیش دبستانی شهر رشت می باشد که تعداد آنها در سال ۹۴-۹۵، ۴۴۵۷ نفر گزارش شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران با خطای ۰/۰۵، تعداد ۳۵۴ نفر تعیین شده و این تعداد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین جامعه آماری انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد استفاده شده است: پرسشنامه مسؤولیت پذیری مارنات (۱۹۹۰)، پرسشنامه خودکارآمدی شرر (۱۹۸۲) و پرسشنامه عزت نفس آیزنگ (۱۹۷۶). روایی ابزارها با روش های روایی محتوایی و صوری و پایایی آن نیز با روشهای دو نیمه کردن و ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون های t مستقل و تحلیل واریانس) استفاده شد. نتایج نشان داد اشتغال زنان در مسؤولیت پذیری آنان تاثیر دارد، اشتغال زنان در خودکارآمدی آنان تاثیر دارد. اشتغال زنان در عزت نفس آنان تاثیر دارد و مدرک تحصیلی زنان در مسؤولیت پذیری، خودکارآمدی و عزت نفس آنان تاثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: مسؤولیت پذیری، خودکارآمدی، عزت نفس.

مقدمه

انسانها از زمانی که انتخاب گر می شوند و در امری تصمیم می گیرند، در برابر تصمیم گرفته شده، مسؤول (پاسخگو) خواهند بود. ممکن است که این پاسخگویی در برابر خداوند، خودشان، والدین، مربیان و یا همسالان و... باشد (اسچیلدکمپ، پورتمن، لویتن و ابلر^۱، ۲۰۱۷). کسی که مسؤولیت پذیر باشد، قدرت تصمیم‌گیری بهتری دارد و کسی که قدرت تصمیم‌گیری بهتر داشته باشد، اعتماد به نفس بالاتری خواهد داشت (سیفی، ۱۳۹۴، ۱۶-۲۱). انسان تنها موجودی است که از نیروی اندیشه و تفکر و اختیار برخوردار است و موجودی اجتماعی است که برای زندگی با انسانها باید مسؤولیت قبول کند (گاتلیب^۲، ۲۰۱۶). بر اساس غالب تئوری‌های روانشناسی، انسانها هر وقت اراده کنند می‌توانند خودشان را تغییر دهند اما به زحمت فراوان نیاز است. اما اگر در زمان شکل‌گیری شخصیت کودک، این مفاهیم به آنها آموزش داده شود، اثربخشی آن به مراتب بالاتر از هر زمان دیگری است. آموزش مسؤولیت، برجسته‌ترین هدیه‌ای است که می‌توان به فرزندان خود ارزانی داشت. چنین آموزشی آنان را قادر می‌سازد که از خویشتن مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگسالانی مسؤول، وظایف خویش را بر عهده گیرند (سیفی، ۱۳۹۴).

بسیاری از رفتارهای انسان با سازوکارهای نفوذ بر خود^۳، برانگیخته و کنترل می‌شوند. در میان مکانیسم‌های نفوذ بر خود، هیچ کدام مهمتر و فراگیرتر از باور به خودکارآمدی شخصی نیست (فیلدمن و کوبتا^۴، ۲۰۱۵). اگر فردی باور داشته باشد که نمی‌تواند نتایج مورد انتظار را به دست آورد و یا به این باور برسد که نمی‌تواند مانع رفتارهای غیرقابل قبول شود، انگیزه او برای انجام کار کم خواهد شد. اداره کردن موقعیتهای دایم‌التغییر، مبهم، غیرقابل پیش‌بینی و استرس‌زا مستلزم داشتن مهارتهای چندگانه است. مهارتهای افراد برای پاسخ به تقاضای گوناگون در موقعیتهای مختلف باید غالباً به شیوه‌های جدید، سازماندهی شوند. مبادلات با محیط نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر قضاوتهای فرد در مورد توانائی‌های خویش است (هسو، ویکلاند و کاتن^۵، ۲۰۱۷).

خودکارآمدی درک شده معیار داشتن مهارتهای شخصی نیست، بلکه بدین معنی است که فرد به این باور رسیده باشد که می‌تواند در شرایط مختلف با هر نوع مهارتی که داشته باشد، وظایف را به نحو احسن انجام دهد. عقاید خودکارآمدی مشخص می‌کند که افراد چگونه احساس می‌کنند، چگونه می‌اندیشند، چگونه خود را بر می‌انگیزند و چطور رفتار می‌کنند (باندورا، ۱۹۹۷؛ به نقل از عبداللهی و نوه ابراهیم، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر مسؤولیت‌پذیری، به حداقلی از اعتماد به نفس و باور به توانایی‌های شخصی نیازمند دارد. تخریب این اعتماد، ضعف نفس و ناتوانی در پذیرش مسؤولیت را به دنبال خواهد داشت (زیمرلی^۶، ۲۰۱۶). یکی از مهم‌ترین عوامل در تخریب اعتماد به نفس، القای ترس از بی‌کفایتی یا نهادن تکلیف سنگین و بزرگ بر دوش فرد است (کای و گوتو^۷، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند یکی از مهم‌ترین منابع القای ترس که موجب فرار از مسؤولیت می‌شود، زمینه‌های خانوادگی است بطوریکه یا مدام در کودکی به آنها تذکر داده شده یا خشن عمل بر خورد کرده‌اند و یا با ایرادگیری‌ها و بهانه‌جویی‌ها صحنه را برای عمل و رفتار فرد محدود کرده‌اند (جانسون، وارکنتین و سیپونن^۸، ۲۰۱۵). همین نکته در مدارس نیز می‌تواند مانع مسؤولیت‌پذیری بچه‌ها شود. همکاری در امور داخل خانه یکی از تمرین‌های خوب و آسان برای تربیت مسؤولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان و نیز پرورش حس اعتماد به نفس و مفید بودن است؛ مثلاً نظافت در بخش‌هایی از خانه، بعضی خریدهای منزل یا پذیرایی از مهمان‌ها می‌تواند بخشی از مسؤولیتهای بچه‌ها باشد (فیاض‌بخش، ۱۳۹۱).

¹ - Schildkamp, Poortman, Luyten, & Ebbeler

² - Gottlieb

³ - Self-influence

⁴ - Feldman, & Kubota

⁵ - Hsu, Wiklund & Cotton

⁶ - Zimmerly

⁷ - Cai & Guo

⁸ - Johnston, Warkentin & Siponen

در تحقیقات انجام شده، رابطه مسؤولیت پذیری و اعتماد به نفس بر اساس سلسله مراتب نیازهای مازلو بررسی شده و عنوان شده است که با توجه به طبقه بندی مازلو^۱ (۱۹۵۴) احتیاج به تعلق قبل از عزت نفس می باشد. پس، نیاز به تعلق از جمله اساسی ترین نیازهای انسانی می باشد که می تواند مبنای خوبی برای مشارکت دادن کودک در صحنه مسؤولیت های اجتماعی باشد (مکلان^۲، ۲۰۱۴).

با توجه به اهمیت متغیرهای پژوهش و انجام نشدن پژوهشی در باب مقایسه این قبیل متغیرهای روانشناختی در باب مادران شاغل و غیر شاغل، پژوهش حاضر به مقایسه مسؤولیت پذیری، خودکارآمدی و عزت نفس مادران شاغل و غیر شاغل کودکان مراکز پیش دبستانی شهر رشت می پردازد.

روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی از نوع علی-مقایسه ای است و پژوهشگر قصد دارد از طریق آثار و پیامدهای موجود (مسؤولیت پذیری، خودکارآمدی و عزت نفس) پی به علت آن (اشتغال) ببرد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری این تحقیق را کلیه مادران کودکان مراکز پیش دبستانی شهر رشت می باشد که تعداد آنها در سال ۹۴-۹۵، ۴۴۵۷ نفر گزارش شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران با خطای ۰/۰۵، تعداد ۳۵۴ نفر تعیین شده ولی برای جلوگیری از احتمال ریزش یا احتمال ناقص بودن پرسشنامه ها تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه تعیین شده است. این تعداد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین جامعه آماری انتخاب شده است.

ابزار جمع آوری داده ها

در این تحقیق، برای جمع آوری داده ها از سه پرسشنامه استاندارد به شرح زیر استفاده شده است:

پرسشنامه مسؤولیت پذیری مارنات (۱۹۹۰):

مقیاس مسؤولیت پذیری کالیفرنیا (CPI) دارای ۴۲ سوال می باشد که با هدف سنجش میزان مسؤولیت پذیری افراد بهنجار ۱۲ سال به بالا تهیه شده است و آزمودنی ها به صورت موافقم و مخالفم به سؤال های آن پاسخ می دهند (گاف ۱۹۸۷، ۴ به نقل از فرامرزی، ۱۳۸۴). مگارگی (۱۹۷۲) گزارش نموده که ضرایب پایایی این پرسشنامه با روش باز آزمایی و همسانی درونی در مقایسه با سایر پرسشنامه های شخصیت کاملاً رضایت بخش بوده است. در تحقیق حاضر، ضرایب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش دو نیمه کردن محاسبه شده است که به ترتیب برای مسؤولیت فردی و اجتماعی برابر با ۰/۷۹ و ۰/۸۳ و برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ بدست آمده است. پرسشنامه مسؤولیت پذیری مورد بازنگری قرار گرفته و ۲۱ ماده صرفاً برای بررسی مسؤولیت پذیری فردی و اجتماعی در آن لحاظ شده است و در این تحقیق از این ۲۱ ماده استفاده خواهد شد. که شامل ۱۰ ماده برای مسؤولیت فردی و ۱۱ ماده برای مسؤولیت اجتماعی می باشد. در نتیجه یکی از ابزارهای این تحقیق فرم اصلاح شده پرسشنامه مسؤولیت پذیری مارنات (۱۹۹۰) می باشد که ۲۱ ماده دارد. نمره گذاری این ابزار به صورت ۰ و ۱ می باشد. به این معنی که آزمودنی در صورت موافقت با هر عبارت در مقابل آن علامت تیک می زند و در صورت مخالف با هر عبارت در مقابل آن ضرب در می زند.

^۱- Maslow

^۲- Maclellan

پرسشنامه خودکارآمدی شرر (۱۹۸۲):

این مقیاس دارای ۱۷ سؤال است که هر سؤال بر اساس مقیاس لیکرت از دامنه کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تنظیم می‌شود. نمره‌گذاری مقیاس به این صورتی است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. سؤال‌های ۱، ۱۳، ۹، ۸، ۳ و ۱۵ از راست به چپ و بقیه سؤال‌ها به صورت معکوس یعنی از چپ به راست نمره‌گذاری می‌شوند. بنابراین حداکثر نمره‌ای که فرد می‌تواند از این مقیاس به دست آورد نمره ۸۵ و حداقل نمره ۱۷ است. این مقیاس توسط براتی (۱۳۷۵) ترجمه و اعتباریابی شده است. همچنین ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش دو نیمه کردن و آزمون گاتمن برابر ۰/۷۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است (شمائی زاده و عابدی، ۲۰۰۵: ۳۵). همچنین در پژوهش وقری (۱۳۷۹) برای بررسی پایانی خودکارآمدی، آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمده است. نجفی (۱۳۸۰) نیز ۳۰ نفر از آزمودنی‌ها را بصورت تصادفی جدا کرد و آزمون خودکارآمدی را برای آنها اجرا نمود و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ بدست آمد. از طریق روش اسپیرمن- براون نیز ۰/۸۳ بدست آمد. در پژوهش گنجی و فراهانی (۱۳۸۸) نیز به روش آلفای کرونباخ ضریب پایانی ۰/۸۱ بدست آمده است. در این تحقیق نیز با استفاده از روش دو نیمه کردن مورد بررسی قرار گرفته است که مقدار همبستگی بین دو نیمه برابر با ۰/۸۷ می‌باشد که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

پرسشنامه عزت نفس آیزنگ (۱۹۷۶):

حاصل کوشش‌های آیزنگ برای بررسی شخصیت است و سوالات آن برگرفته از سوالات نا استواری هیجانی پرسشنامه شخصیت آیزنگ است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است که آزمودنی باید برای هر یک از سوالات پاسخ بلی، خیر یا نمی‌دانم (علامت سوال) را علامت بزند. البته در دستورالعمل پرسشنامه از فرد خواسته می‌شود که تا حد امکان پاسخ نمی‌دانم را انتخاب نکند. هر چه نمره فرد در این پرسشنامه بیشتر باشد عزت نفس بیشتری دارد. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال بوده و هدف آن سنجش میزان عزت نفس است. برای بدست آوردن امتیاز پرسشنامه باید به صورت زیر عمل کرد: در مورد سوالات شماره ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۹، ۳۰ گزینه بله ۱ امتیاز و گزینه خیر صفر امتیاز دریافت خواهد نمود. در مورد سوالات شماره ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ گزینه خیر ۱ امتیاز و گزینه بلی ۰ امتیاز دریافت خواهد کرد. در مواردی که گزینه علامت سوال (؟) انتخاب گردد نیم نمره (۰/۵) از امتیاز کسب خواهد گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر از شاخص‌های آمار توصیفی، خلاصه و طبقه بندی استفاده شده است، و با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، نمودار، شاخص‌های گرایش مرکزی (میانگین، میانه، مد)، شاخص‌های گرایش پراکندگی (انحراف استاندارد، واریانس، دامنه تغییرات، کمینه، بیشینه) وضعیت نمونه‌ها در هر متغیر را توصیف نموده است. همچنین در این پژوهش، برای تحلیل استنباطی داده‌های حاصل از پرسشنامه، از آزمون‌هایی از آزمون آماری t مستقل برای مقایسه گروه‌ها استفاده شده است.

یافته ها

شاخص های توصیفی متغیرها پژوهش در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۱ شاخص های توصیفی مربوط مسئولیت پذیری

مستوولیت پذیری	تعداد	کمینه	بیشی نه	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی
اجتماعی	۳۵۴	۲	۱۰	۵/۹۰	۱/۹۸	-۰/۲۷
فردی	۳۵۴	۱	۸	۵/۲۴	۱/۵۲	-۰/۶۸
کل	۳۵۴	۱	۸	۵/۵۷	۱/۴۵	-۰/۵۶

جدول ۱ شاخص های توصیفی مربوط به مسئولیت پذیری را نشان می دهد، همانطور که دیده می شود، میانگین مسئولیت پذیری در بعد اجتماعی (۵.۹) و در بعد فردی (۵.۲۴) می باشد. همچنین میانگین کل مسئولیت پذیری ۵.۵۷ است. ضریب کشیدگی در هر دو بعد و کل مسئولیت پذیری منفی بوده که نشان می دهد توزیع نمرات دارای کشیدگی منفی است.

جدول ۲ شاخص های توصیفی مربوط خودکارآمدی

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی
خودکارآمدی	۳۵۴	۲۲/۵۰	۷۹	۵۴/۲۴	۱۴/۹۷	-۰/۲۷

جدول ۲ شاخص های توصیفی مربوط به خودکارآمدی را نشان می دهد، همانطور که دیده می شود، میانگین نمرات کل خودکارآمدی (۵۴.۲۴) بوده و ضریب کشیدگی -۰/۲۷۳ می باشد که نشان می دهد توزیع نمرات دارای کشیدگی منفی است.

جدول ۳ شاخص های توصیفی مربوط عزت نفس

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی
عزت نفس	۳۵۴	۵	۲۹/۵۰	۱۵/۵۰	۶/۲۴	۰/۲۲

جدول ۳ شاخص های توصیفی مربوط به عزت نفس را نشان می دهد، همانطور که دیده می شود، میانگین عزت نفس (۱۵.۵) است و نیز ضریب کشیدگی (۰/۲۲۰) مثبت بوده که نشان می دهد توزیع نمرات دارای کشیدگی مثبت است.

تحلیل استنباطی

تجزیه و تحلیل داده های مربوط به فرضیه اول تحقیق

بین مسولیت پذیری در زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد.

برای مشخص کردن اینکه این تفاوتها از آزمون تی برای مقایسه دو گروه مستقل استفاده شده است، که در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۴: آزمون t برای مقایسه میانگین های دو گروه در زمینه مسئولیت پذیری.

مقایسه میانگین ها		آزمون لون		مقدار F	سطح معنی داری	
سطح معنی داری	t	سطح معنی داری	t			
۰/۰۰۱	۷/۶۴	۰/۳۲	۰/۶۹			اجتماعی
۰/۰۰۱	۷/۵۷					بدون فرض برابری واریانسها
۰/۱۸	۱/۳۲	۰/۱۴	۲/۱۴			فردی
۰/۱۹	۱/۳۱					بدون فرض برابری واریانسها
۰/۰۰۱	۵/۷۶	۰/۱۰	۲/۶۹			کل
۰/۰۰۱	۵/۷۱					بدون فرض برابری واریانسها

همانطور که دیده می شود آماره F محاسبه شده برای مقایسه واریانسهای دو گروه، در تمام موارد از مقدار بحرانی کوچکتر است. در نتیجه واریانسهای دو گروه همسان بوده و می توان از آزمونهای پارامتریک برای مقایسه میانگین ها استفاده کرد. همچنین چون مقدار t محاسبه شده با توجه به درجه آزادی و سطح معنی داری (۰/۰۵) و نیز با فرض همسانی واریانسها، در مورد مسئولیت پذیری اجتماعی (۷/۶۴)، بزرگتر از مقدار بحرانی t می باشد، بنابراین می توان با اطمینان ۹۵٪ گفت که بین زنان شاغل و غیر شاغل از مسئولیت پذیری اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. اما در مورد مسئولیت پذیری فردی چون t محاسبه شده (۱/۳۲)، کوچکتر از مقدار بحرانی است، بنابراین بین دو گروه از این نظر تفاوت معنی داری وجود ندارد. در زمینه میانگین های کل نیز بین دو گروه تفاوت معنی داری دیده می شود. بنا به مراتب فوق فرضیه اول تحقیق در مورد مسئولیت پذیری اجتماعی و کل مسئولیت پذیری تایید می شود ولی در مورد مسئولیت پذیری فردی رد می شود.

تجزیه و تحلیل داده های مربوط به فرضیه دوم تحقیق

بین خودکارآمدی در زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد.

برای مشخص کردن تفاوتها از آزمون تی برای مقایسه دو گروه مستقل استفاده شده است، که در جدول زیر ارائه شده اسن:

جدول ۶: آزمون t برای مقایسه میانگین های دو گروه در زمینه خودکارآمدی.

مقایسه میانگین ها		آزمون لون		مقدار F	سطح معنی داری	
سطح معنی داری	t	سطح معنی داری	t			
۰/۰۰۱	۶/۷۸	۰/۰۵	۲/۷۸			خودکارآمدی
۰/۰۰۱	۶/۷۲					بدون فرض برابری واریانسها

همانطور که دیده می شود آماره F محاسبه شده برای مقایسه واریانس های دو گروه کوچکتر از مقدار بحرانی است و سطح معنی داری بدست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ بوده است. در نتیجه واریانسهای دو گروه همسان بوده و می توان از آزمونهای پارامتریک برای مقایسه میانگین های دو گروه استفاده کرد. همچنین چون مقدار t محاسبه شده با توجه به درجه آزادی و سطح معنی داری (۰/۰۵) و نیز با فرض همسانی واریانسها (۶/۷۸)، بزرگتر از مقدار بحرانی t می باشد، بنابراین می توان با اطمینان ۹۵٪ گفت که بین زنان شاغل و غیر شاغل از نظر خودکارآمدی تفاوت معنی داری وجود دارد. بنا به مراتب فوق فرضیه

دوم تحقیق مبنی بر اینکه "خودکارآمدی در زنان شاغل و غیر شاغل متفاوت است"، تایید می شود.

تجزیه و تحلیل داده های مربوط به فرضیه سوم تحقیق

برای مشخص کردن تفاوتها از آزمون تی برای مقایسه دو گروه مستقل استفاده شده است، که اطلاعات آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۷. آزمون t برای مقایسه میانگین های دو گروه در زمینه عزت نفس

مقایسه میانگین ها		آزمون لون	
سطح معنی داری	t	سطح معنی داری	مقدار F
۰/۰۰۱	۳۶/۵	۰/۲۰	۱/۶۱
			با فرض برابری واریانسها
			عزت نفس
۰/۰۰۱	۳۵/۵		
			بدون فرض برابری واریانسها

همانطور که دیده می شود آماره F محاسبه شده برای مقایسه واریانس های دو گروه کوچکتر از مقدار بحرانی است و سطح معنی داری بدست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ بوده است. در نتیجه واریانسهای دو گروه همسان بوده و می توان از آزمونهای پارامتریک برای مقایسه میانگین های دو گروه استفاده کرد. همچنین چون مقدار t محاسبه شده با توجه به درجه آزادی و سطح معنی داری (۰/۰۵) و نیز با فرض همسانی واریانسها (۵۰۳۶۸)، بزرگتر از مقدار بحرانی t می باشد، بنابراین می توان با اطمینان ۹۵٪ گفت که بین زنان شاغل و غیر شاغل از نظر عزت نفس تفاوت معنی داری وجود دارد. بنا به مراتب فوق فرضیه سوم تحقیق مبنی بر اینکه "عزت نفس در زنان شاغل و غیر شاغل متفاوت است"، تایید می شود.

بحث و نتیجه گیری

طبق یافته های پژوهش مشخص شد که بین زنان شاغل و غیر شاغل از مسئولیت پذیری اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. ولی بین دو گروه از نظر مسئولیت پذیری فردی تفاوت معنی داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول تحقیق (بین مسولیت پذیری در زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد) در بعد مسئولیت پذیری اجتماعی تایید و در بعد مسئولیت پذیری فردی رد شد. هرچند در زمینه میانگین کلی مسئولیت پذیری بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. با وجود همه اینها، اشتغال زنان تأثیرات شگرف بر خانواده و روابط درونی آن، نقشها و پایگاه های مربوط به اعضاء و توزیع قدرت میان آنان باقی گذاشته است و تغییراتی را در تعامل سنتی خانواده ها پدید آورده است. بدون شک این تغییرات در همه گروه ها و اقشار اجتماعی یکسان نبوده است. (اصلان زاده، ۱۳۷۲).

کوپر اسمیت (۱۹۶۷) با انجام پژوهشی دریافت، شغل مادر در صورتی که وی احساس مثبتی نسبت به شغلش داشته باشد، احتمال کمتری وجود دارد که از کودکش مراقبت افراطی کند. شغل مادر همچنین تفکرات قالبی در مورد نقشهای زنانه و مردانه را کمتر می کند. مطالعات نشان می دهد افرادی که مادرانشان شاغل می باشند، در مورد تفاوتها و نقشهای خود عقاید قالبی دارند. (بیابانگرد، ۱۳۷۳: ۵۶) در نهایت بنظر می رسد با توجه به همسویی که بین وظیفه مادری و نقش شغلی مادران فرهنگی وجود دارد، به نظر می رسد که رشد اجتماعی و مسئولیت پذیری آنان نسبت به مادران خانه دار بیشتر است. موضوعی که در این تحقیق نیز تایید شده است.

طبق یافته های پژوهش فرضیه دوم تحقیق (خودکارآمدی در زنان شاغل و غیر شاغل متفاوت است)، تایید شد. برخی از

پژوهش‌های پیشین این فرض‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که باورهای مربوط به توانایی به طور مثبت بر کاربرد راهبردهای یادگیری اثر می‌گذارند. افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند، نسبت به کسانی که خود تردیدی بر آن‌ها حاکم است، راهبردهای یادگیری بیشتری را بکار می‌برند. باورهای خودکارآمدی همچنین بر الگوهای فکری و تعاملات هیجانی افراد اثر می‌گذارد. افراد با خودکارآمدی پایین احتمالاً این باور را دارند که مسائل مشکل‌تر از آن چه واقعاً به نظر می‌رسند می‌باشند. که این باور، اضطراب و افسردگی را تقویت کرده و یک دید محدودی برای حل بهتر یک مسأله می‌دهد، از طرف دیگر خودکارآمدی از جمله قوی‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده رفتار افراد محسوب می‌شود (مقیم‌فام، ۱۳۷۹، به نقل از پاجارس، ۱۹۹۶: ۲۷)؛ بنابراین شخص با خودکارآمدی قوی با انگیزه بالاتر و پافشاری بیشتر با موانع و مشکلات روبرو شده و کارایی بیشتری از خود نشان خواهد داد. همچنین خودکارآمدی برای هر موفقیت و هر تکلیفی متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال انتظارات خودکارآمدی یک فرد درباره توانایی‌هایش برای انجام کار خاص، موفقیت او را در این کار پیش‌بینی می‌کند (اسپیگل و کرومانت^۱، ۱۹۹۸). چنین فرایندی در محیط‌های کاری بیشتر تجلی پیدا می‌کند. از این روست که نتایج تحقیق حاضر همسو با تحقیقات دیگر انجام شده، توجیه می‌شود. زیرا زنانی که شاغل هستند، فرصت و امکان بیشتری برای استفاده از توانایی‌های و باورهای خودکارآمدی دارند. موضوعی که در تحقیق حاضر نیز تأیید شده است.

همچنین طبق دیگر یافته‌های پژوهش مشخص شد که بین زنان شاغل و غیر شاغل از نظر عزت نفس تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه سوم تحقیق (عزت نفس در زنان شاغل و غیر شاغل متفاوت است)، تأیید شد. گاستین (۲۰۰۱) بیان کرده است برآورده نشدن نیازهای اقتصادی و شغلی افراد باعث بروز فشارها و تنش‌های روانی شدید در افراد می‌شود که این امر سلامت روانی آنها را به مخاطره می‌اندازد. امنیت شغلی، ایجاد شرایط کاری اشتغال منصفانه و کارهای مناسب و درخور شأن افراد باعث افزایش سلامت روانی، رفاه و عزت نفس می‌شود. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۸۷). یونگ به تکامل شخصیت در سراسر زندگی اعتقاد دارد و از انسان سالم به عنوان شخصیت فردیت یافته تعبیر می‌کند. چیزی که با اشتغال تقویت می‌شود. اشخاص سالم دیگران را پذیرا می‌شوند و با بردباری تحمل می‌کنند. (نقل از خوشدل، ۱۳۸۱: ۱۸۳-۱۷۹)

مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اشتغال و افزایش نقش آنان در تأمین اقتصادی خانواده به افزایش قدرت زنان در خانواده و اثرگذاری بیشتر آنان در تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی و حتی در محیط کار می‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۴) همین امر روی عزت نفس آنها تأثیر می‌گذارد. موضوعی که در این تحقیق نیز تأیید شد. در واقع زن با کار و فعالیت اجتماعی، قدرت، خلاقیت، کارایی و استقلال بیشتری می‌یابد. زنان در ازای دریافت وجه در مقابل فعالیت اجتماعی و تبادل علم و اطلاعات، آگاهی و تعامل اجتماعی، استقلال بیشتری می‌یابند. بنابراین می‌توان گفت حضور هر چه بیشتر زنان در عرصه اشتغال و رفع نابرابری در دستیابی به فرصت‌های شغلی، باعث کاهش بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی، انزوا، بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به قوانین حاکم بر جامعه و افزایش عزت نفس آنها می‌گردد. (مافی، ۱۳۸۸).

اشتغال به استقلال و اعتبار اجتماعی بیشتری منجر می‌شود، تحقیقات نشان می‌دهد که اشتغال مادران به تنهایی عامل تعیین‌کننده در روابط زناشویی و رشد و تربیت کودکان نیست، بلکه آنچه از این حیث مهم است، جو خانواده، نگرش‌ها و انتظارات همسر و چگونگی استفاده از اوقات فراغت در امور خانه و خانواده است (زمانی، ۱۳۸۸). نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که اکثر زنان شاغل اثر اشتغال خود بر فرزندان‌شان را مثبت ارزیابی می‌کنند و معتقدند که فرزندان آنان در مقایسه با فرزندان مادران غیرشاغل از اعتماد به نفس بیشتر و استقلال رأی بیشتری برخوردارند و در امور شخصی منضبط‌تر و مسئولیت‌پذیرتر هستند. (زمانی، ۱۳۸۸). همین امر می‌تواند روی عزت نفس زنان اثر گذار باشد (موالی‌زاده، ۱۳۸۸). در همین رابطه گرویس و دن (۲۰۰۴) معتقدند، اعتماد به نفس زیاد تصمیم‌گیری‌های قاطع را تحریک می‌کند، همچنین باعث کاهش آسیب‌ها، توسعه‌ی کسب و کار و افزایش احتمال موفقیت می‌شود. نتایج این تحقیق با تحقیقات انجام شده توسط مفتاح، (۱۳۸۸)، صادقی (۱۳۹۰)، تیموری (۱۳۹۱) و عبدی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این می‌باشد که

^۱ - Spiegle & Guere Mount

هر چند تلاش محقق بر آن بود که تا حد امکان متغیرهای مداخله گر را شناسایی و کنترل کند، با این حال مواردی چون تجربه کاری، سن، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی افراد ممکن است پاسخ های آنها را تحت تاثیر قرار داده باشد. از این رو اعتبار درونی طرح از نظر میزان کنترل متغیرها و اعتبار بیرونی طرح از نظر تعمیم پذیری یافته ها با محدودیت مواجه می شود. همچنین، استفاده از طرح های مقایسه ای هر چند ممکن است روابط علت- معلولی را نشان دهد، اما این روابط قطعی نبوده و احتمالی هستند. بنابراین نمی توان نتایج علی قطعی از این تحقیق استنباط کرد. لذا، پیشنهاد می گردد، به منظور بالابردن مسئولیت پذیری زنان، فرصتهای برابر برای اشتغال زنان و مردان فراهم شود. این کار می تواند روی سلامت روانی خانواده ها نیز تاثیر مثبتی داشته باشد. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده چون مسئولیت پذیری فردی در بین دو گروه تقریباً یکسان بود و تفاوت مشاهده شده در بین زنان شاغل و غیر شاغل در مسئولیت پذیری اجتماعی بوده است، از این رو پیشنهاد می شود در برنامه های آموزش خانواده، با اطلاع رسانی دقیق و بموقع، مسئولیت پذیری اجتماعی زنان غیر شاغل را تقویت نمایند. این کار می تواند با فراهم ساختن امکان توسعه مشاغل خانگی میسر گردد. همچنین با در نظر گرفتن اثرات عزت نفس زنان در سلامت افراد خانواده و جامعه، آموزش های لازم برای زنان غیر شاغل پیش بینی شود تا امکان خود اشتغالی آنان و در نتیجه افزایش سلامت خانواده ها فراهم شود، و اینکه به محققان دیگر پیشنهاد می شود در انجام تحقیقات شابه به محدودیتهای این تحقیق توجه نموده و متغیرهای کنترل بیشتری وارد تحقیق نمایند.

منابع

۱. ابراهیم قوام، صغری، (۱۳۷۴)، بررسی میزان اضطراب و عزت نفس در دانش آموزان که مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، چکیده پایان نامه های ایران، دوره ۳ شماره ۲ چاپ: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۲. ابراهیمی بخت، حبیب الله، (۱۳۸۶)، " بررسی رابطه بین خودکارآمدی، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم متوسطه رشته علوم انسانی شهر کامیاران - ۸۶-۸۵"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۳. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۳). روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۴. بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۳، پژوهش در مورد بررسی رابطه بین تفاهم کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۲.
۵. بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۳، روش های عزت نفس در کودکان و نوجوانان چاپ دوم، انتشارات اولیاء و مربیان.
۶. خدابخشی، مهدی؛ عابدی، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی روش های افزایش مسولیت پذیری در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴. مطالعات روان شناختی. دوره ۵، شماره ۱. صص ۱۳۷-۱۱۴.
۷. دسبونس، دیوید؛ رابی، کریستین (۱۳۸۸). مسئولیت پذیری. ترجمه: حمیرا نونهالی. تهران: نشر قطره.
۸. دفتر پژوهشگران کیهان، ۱۳۷۴، سازمان زنان ایران، اشتغال زنان در موضعهای تصمیمگیری در بخشهای خصوصی و دولتی.
۹. رفعتیان، عبدالحسینی (۱۳۸۹). مسئولیت پذیری. تهران: نشر قطره.
۱۰. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، مقدمه ای بر جامعه شناختی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
۱۱. سفیری، خدیجه؛ چشمه، اکرم (۱۳۹۱). مسئولیت پذیری نوجوان و رابطه آن با شیوه های جامعه پذیری در خانواده. فصلنامه جامعه شناسی آموزش و پرورش. جلد ۱، شماره ۱. صص ۱۳۰-۱۰۳.
۱۲. سفیری، خدیجه ۱۳۷۴، اشتغال زنان، انتشارات طبیان.
۱۳. سهیلی، هرمز (۱۳۸۷). بررسی رابطه خودشکوفایی با مسئولیت پذیری، جایگاه مهار و خلاقیت در بین دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی شهرستان اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز

۱۴. سیدرضی (۱۳۷۹). نهج البلاغه. ترجمه حسین انصاریان. تهران: انتشارات پیام آزادی.
۱۵. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش) تهران: آگاه.
۱۶. سیفی، سمیه (۱۳۹۴). مسئولیت‌پذیری. قابل دسترسی در: www.sabz.salam.sch.ir
۱۷. سیداصلی، فرزانه، (۸۰-۱۳۷۹)، بررسی رابطه اشتغال توامان والدین(اشتغال مادران) و پیشرفت تحصیلی فرزندان مقطع ابتدایی و پایه دوم و سوم شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۱۸. شفیق‌آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا (۱۳۸۹). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. فیاض‌بخش، محمدعلی (۱۳۹۱). مسئولیت‌پذیری در نوجوانان. تهران: مؤسسه‌ی اطلاعات.
20. Bundura A. (1994), Self-efficacy, (ED), *Encyclopedia of human behavior* (vol.4, pp.71-81) New York: academic prss.(Reprinted in H. freedman (ED.), *Encyclopedia of mental health*. SanDiego: Academic press, 1998.
21. Bundura A. (1995) *Guide for constructing self-efficacy sales*. <http://www.emorg.edu/Education>
22. Bundura A. (1995), *Exercise of Personal and Collective efficacy in Changing societies*, na, Bundura (E.d), *Self-efficacy in Changing Societies* (PP. 1-45). England Cambridge University Press
23. Cai, T. T., & Guo, Z. (2017). Confidence intervals for high-dimensional linear regression: Minimax rates and adaptivity. *The Annals of Statistics*, 45(2), 615-646.
24. Eniola, Mike, S. (2007).The Influence of Emotional Intelligence and Self-Regulation Strategies on Remediation of Aggressive Behaviors' in Adolescent with Visual Impairment *Med Ethno*. Vol1.page71-77 www.krepublishers.com...pdf.
25. Feldman, D. B., & Kubota, M. (2015). Hope, self-efficacy, optimism, and academic achievement: Distinguishing constructs and levels of specificity in predicting college grade-point average. *Learning and Individual Differences*, 37, 210-216.
26. Gottlieb, J. (2016). Greater Expectations: A Field Experiment to Improve Accountability in Mali. *American Journal of Political Science*, 60(1), 143-157.
27. Heekim (2002). The effect of a reality therapy program the responsibility for elementary school children in Korea. *International journal of reality therapy*. vol : xyII number J.
28. Hsu, D. K., Wiklund, J., & Cotton, R. G. (2017). Success, Failure, and Entrepreneurial Reentry: An Experimental Assessment of the Veracity of Self-Efficacy and Prospect Theory.
29. Johnston, A. C., Warkentin, M., & Siponen, M. T. (2015). An enhanced fear appeal rhetorical framework: Leveraging threats to the human asset through sanctioning rhetoric. *Mis Quarterly*, 39(1), 113-134.
30. Maclellan, E. (2014). How might teachers enable learner self-confidence? A review study. *Educational Review*, 66(1), 59-74.
31. Schildkamp, K., Poortman, C., Luyten, H., & Ebbeler, J. (2017). Factors promoting and hindering data-based decision making in schools. *School effectiveness and school improvement*, 28(2), 242-258.
32. Zimmerly, J. (2016). Four keys to adaptive leadership: accountability, confidence, initiative, and flexibility distinguish the leaders who thrive through change. *Strategic Finance*, 98(1), 19-21.

Comparison of Taking Responsibilities, Self-Efficacy, and Self-Esteem in Working and Non-Working Mothers of Children in Rasht's Preparatory Schools

Zahra khoshnezhad^{1*}, Farzaneh Farajollahi²

1. *M.a in Department of Educational Research, College of Education & Consulting, Islamic Azad University of Roodehen, Tehran, Iran (Corresponding Author)*
2. *M.a in Department of Educational Research, College of Education & Consulting, Islamic Azad University of Roodehen, Tehran, Iran*

Abstract

The present research was aimed to compare and find differences between taking responsibilities, self-efficacy, and self-esteem in working and non-working mothers of children in Rasht's preparatory schools. Research method was practical in terms of objective; and in terms of data collection method, it was descriptive, of a causal-comparative type. The statistical population of the research consisted of all mothers of the children in Rasht's preparatory schools (4457 individuals from 2014 to 2015). Sample size included 354 individuals, based on Cochran Formula with an error of 0.05. The individuals were selected using a cluster random sampling method. In order to collect data, three standard questionnaires were used: Marnat's taking responsibilities questionnaire (1990), Sherer's self-efficacy questionnaire (1982), and Ayzang's self-esteem questionnaire (1976). The validity of the tools was calculated using face and content validity methods. And the reliability of the tools was calculated using split-half methods and Cronbach's alpha coefficient. In order to analyze data, descriptive and inferential statistics indexes (independent "t" tests and variance analysis) were used. Results showed that women's working affects their taking responsibilities; it affects their self-efficacy. It also affects their self-esteem. And their educational degrees affect their taking responsibilities, self-efficacy, and self-esteem.

Keywords: taking responsibilities, self-efficacy, self-esteem
